بررسی سیاستهای دولت تدبیر و امید در حوزه مسکن

وام مسکن؛ به نام مستضعفین به کام سرمایه داران

هزینه مسکن با سهم ۳۵ درصد بیشترین سهم را در سبد هزینه¬های خانوارهای ایرانی به خود اختصاص داده است. این رقم در کلان شهرها گاه به بالای ۵۰ درصد میرسد. یعنی هر ماه بیشتر از نصف هزینه¬های یک خانوار با درآمد متوسط، صرف هزینه مسکن می¬شود. طبق آخرین آمارهای جهانی برای خرید یک خانه با قیمت متوسط، یک خانواده ایرانی با درآمد متوسط باید درآمد ۲۰ سال و ۹ ماهش را هزینه کند. علاوه بر این، تأثیرات گسترده مسکن بر نهاد خانواده به عنوان مهمترین نهاد اجتماعی کشور کافی است تا هر خانواده ایرانی نسبت به سیاست¬های بخش مسکن و آینده تحولات این حوزه حساس باشد. شورای پول و اعتبار در ۲۹ اردیبهشت ماه سال جاری به افزایش وام خرید مسکن تا سقف ۸۰ میلیون تومان برای خانه اولی‌ها و تا سقف ۴۰ و ۶۰ میلیون برای دیگر متقاضیان، از طریق سپرده گذاری در صندوق پس انداز مسکن رای داد. عملیات اجرایی واگذاری این وامها نیز از روز سه شنبه ۱۹ خرداد با حضور مسئولین مربوطه آغاز شد. موضوع این یادداشت تحلیل ریشه¬ها و پیامدهای این اقدام دولت تدبیر و امید است.

نگاهی به وضعیت کلی بازار مسکن

قیمت بالای مسکن در ایران ناشی از کمبود عرضه و بالا بودن تقاضای مسکن می¬باشد. بطور کلی برای اصلاح این وضعیت دو دسته راهکار می¬شود تصور کرد.

۱. راهکارهای بخش عرضه : راهکارهایی که به افزایش عرضه مسکن منجر شده و باعث کاهش قیمت مسکن می¬شوند. طرح مسکن مهر به عنوان مهمترین راهکار حل مسئله مسکن در دولت قبل از این دسته راهکارها بود.

۲. راهکارهای بخش تقاضا : راهکارهایی که به کاهش تقاضای مسکن منجر شده و در نتیجه باعث کاهش قیمت مسکن می-شود.۵۶۰۷۳۱۴.

طبق آخرین آمار موجود (سرشماری سال ۹۰) تعداد ۳۱۴,۶۰۷,۵خانوار معادل ۲۷ درصد خانوارهای ایرانی مستأجرند و متقاضی مسکن. به این بخش از تقاضای مسکن، تقاضای مصرفی مسکن گفته می¬شود.

اما همه متقاضیان مسکن این افراد نیستند. بخش قابل توجهی از تقاضای مسکن در ایران تقاضای سرمایه¬ای است که خانه را برای سود دلالی آن می¬خواهد نه سکونت. بر اساس اطلاعات سرشماری عمومی سال ۹۰ و تغییرات بخش مسکن نسبت به سرشماری سال ۸۵ حجم تقاضای سرمایه¬ای در ایران حدود۷۰ درصد و مبلغ ۲۹۰ هزار میلیارد تومان برآورد می¬شود. بخش قابل توجهی از این خانه¬ها حتی به اجاره داده نمی¬شوند. بطوریکه بر اساس سرشماری عمومی سال ۹۰ حدود ۶,۱ میلیون واحد مسکونی خالی از سکنه در کشور داریم که عمده آن جزو تقاضاهای سرمایه‌ای مسکن می¬باشد. مسئله عمده این است که این دو بخش از تقاضای مسکن منافع و مضرات معکوسی دارند.

راهکارهای دولت در بخش عرضه مسکن:

در بخش عرضه دولت تدبیر و امید دو مسیر را تعریف کرده است :

۱. تکمیل پروژه¬های مسکن مهر : این پروژه ها با وجود تمام کاستی¬ها و معایبی که داشتند بیش از ۲ میلیون خانوار را صاحبخانه کرد و از این جهت بار سنگینی از تقاضا را از روی دوش بازار مسکن برداشت. آقای روحانی در هنگام انتخابات و همچنین آقای آخوندی وزیر محترم مسکن در هنگام أخذ رأی اعتماد از مجلس با وجود برشمردن نقایصی برای مسکن مهر تکمیل این پروژه¬ها را از برنامه–های جدی خود اعلام کردند اما دولت در همان ابتدای شروع به کارش دستور توقف ادامه پروژه‌های این طرح را صادر و اعلام کرد که برنامه‌های دیگری به عنوان مسکن اجتماعی و حمایتی را جایگزین طرح مهر خواهد کرد.این تعلل تاجایی ادامه داشت که این موضوع یکی از تذکرات مهم رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای هیأت دولت با ایشان در شهریور سال ۹۳ قرار گرفت . اوج این بی توجهی هم زمانی بود که آقای آخوندی طرح مسکن مهر را طرحی مزخرف خواند! در هر صورت بنا به اظهارات معاون وزیر مسکن قرار است این پروژه¬ها تا سال ۱۳۹۵ تکمیل شود.

۲. طرح مسکن اجتماعی با عنوان طرح مسکن امید : این طرح گرچه انتقادات بسیاری از اقتصاددانان و جامعه¬شناسان را در پی داشت اما در صورت اجرا شدن می¬توانست بخشی از تقاضای بازار مسکن را تأمین کند اما متأسفانه با وجود مصاحبه¬های متعدد و با وجود سپری شدن نزدیک به ۱۸-۱۷ ماه اتفاقی عملی در این زمینه رخ نداده و افق امیدوارکننده¬ای نیز برای مسکن امید مشاهده نمی-شود.

بطور خلاصه و بر اساس آخرین آمار مرکز آمار ایران، در بهار سال ۱۳۹۳ تعداد ۳۴هزار و ۲۳۷ پروانه ساختمانی از سوی شهرداری‌های کشور صادر شده که به نسبت فصل گذشته حدود ۴۵,۵ درصد و به نسبت فصل مشابه سال گذشته حدود ۳۸,۴ درصد کاهش داشته است و این آمار حکایت از کاهش شدید ساخت و ساز و عرضه مسکن طی دو سال اخیر دارد.

راهکارهای دولت در بخش تقاضای مسکن :

مسئولین، سیاست دولت در این حوزه را با عبارت «ایجاد رونق در بازار مسکن» بیان می¬کنند. بطور مشخص وزارت مسکن درنظر دارد با تحریک تقاضا به خرید بیشتر، بازار مسکن را از وضعیت رکود خارج کرده و به این وسیله کلیت اقتصاد کشور را به سمت خروج از حالت رکود سوق دهد.

	نفع	ضرر
تقاضای مصرفی (اجاره نشین‌ها)	- افزایش عرضه مسکن - کاهش قیمت مسکن - کاهش تقاضای کلی مسکن	- کاهش عرضه مسکن - افزایش قیمت مسکن - افزایش تقاضای مسکن
تقاضای سرمایه‌ای (دلال‌ها)	- کاهش عرضه مسکن - افزایش مداوم و جهش قیمت مسکن - افزایش تقاضای مسکن	- افزایش عرضه مسکن - کاهش قیمت مسکن - کاهش تقاضای کلی مسکن

رونق در بازار مسکن نیز به این معناست که تعداد و حجم معاملات انجام شده و همچنین سرمایه¬های موجود در بازار مسکن افزایش یابند.

اما سؤال اصلی اینجاست که حل مسائل بازار مسکن به چه معناست؟ آیا اگر قیمت مسکن، تعداد و حجم معاملات و حجم سرمایه¬های موجود در بازار مسکن افزایش یافت، وضعیت این بازار بهبود یافته؟ یا اینکه آن مستأجرین خانه¬دار شوند و کیفیت خانه¬های ساخته شده افزایش یابد؛ کدامیک به معنای بهبود بازار مسکن است؟

واقعیت این است که از اواخر سال ۹۱ تاکنون بازار مسکن وارد دوره رکود شده است.

تحریک تقاضا ← افزایش قیمت مسکن ← افزایش تعداد و حجم معاملات مسکن ← افزایش سرمایه های موجود در بازار مسکن

قیمت¬ها آنقدر بالا رفته که از دسترس بسیاری از مستأجرین خارج شده. دلالها هم چون دورنمایی از افزایش قیمت را مشاهده نمی¬شد اقدام به خرید بیشتر نمی¬کردند. کلان سرمایه¬دارانی که به امید افزایش روزانه قیمت حجم زیادی از زمین و مسکن را احتکار کرده بودند مدتهاست آن جهش قیمتهای قبلی را نچشیده¬اند و مترصد آن بودند که سرمایه¬های خود را از این بازار خارج کنند. در این صورت با افزایش عرضه مسکن و کاهش قیمت آن مواجه می¬شدیم.

بنابر اصل ۴۳ قانون اساسی، تهیه مسکن ارزان از وظایف قوای اجرایی است اما شاهدیم که دولت با سیاست تحریک تقاضا طرف سرمایه–داران را گرفته و دورنمای افزایش قیمت را به آنها نشان می¬دهد. طرح اعطای وام¬های ۴۰-۶۰ و ۸۰ میلیونی دقیقاً به معنای همین سیاست تحریک تقاضاست.

متأسفانه دولت راهبرد اشتباهی را درخصوص خارج کردن اقتصاد کشور از وضعیت رکود در پیش گرفته که به ضرر اقشار کم درآمد و مغایر با تأکیدات چندین باره رهبر معظم انقلاب است که فرمودند «تقویت تولید» ستون فقرات اقتصاد مقاومتی و راهبرد اصلی خروج کشور از وضعیت رکود است.

مرداد ماه سال گذشته تعداد ۱۸ تن از نمایندگان مجلس طی نامه¬ای درخصوص سیاست تحریک تقاضا به دولت هشدار دادند و حتی از این طرح با عبارت «انداختن کبریت در انبار باروت» یاد کردند اما متأسفانه با بی توجهی مسئولین مربوطه مواجه شد.

علاوه بر مخالفت بسیاری از نخبگان سیاسی و اقتصادی با این طرح، افکار عمومی جامعه نیز نسبت به این طرح موضعی جدی دارد. برنامه مناظره شبکه ۱ در تاریخ ۸ خرداد سال جاری به همین موضوع اختصاص داشت. بینندگان برنامه به سوال نظرسنجی مبنی اینکه، به نظر شما دولت برای خانه‌دار شدن مردم کدام راه را در الویت قرار دهد؟ به گزینه ۱_ یعنی کمک به خرید و تحریک تقاضا مسکن، ۳۶,۸۴ درصد و به گزینه ۲_ کمک به ساخت و تحریک عرضه مسکن که بیشترین رای را از سوی بینندگان برنامه کسب کرد، ۶۳,۱۴ درصد رای دادند. اما با این وجود ظاهراً دولت همچنان بر طرفداری از موضع سرمایه¬داران در این بازار اصرار دارد که البته زیاد دور از انتظار نیست.

به گفته یکی از کارشناسان اقتصادمسکن وام خرید مسکن اساساً در دوره وزارت آقای آخوندی (سال ۷۲) به وجود آمده و باعث جهش قیمتی جدی شد بطوریکه قیمت زمین و مسکن در تهران در بازه زمانی سال‌های ۷۲ تا ۷۶ سه برابر شد.به گفته وی، در هر دوره‌ای که در حوزه مسکن، تحریک تقاضا صورت گرفته قیمت مسکن بیش از مبلغ وام افزایش یافته است و این مسئله باعث خروج تقاضای مصرفی از بازار شده است.تقاضای سرمایه‌ای طی این دوره از ۸ درصد سال ۷۲ به ۳۰ درصد در سال ۷۶ افزایش یافت. حال ۱۷ سال از آن زمان می‌گذرد و آقای آخوندی برای دومین بار در کسوت وزیر راه و شهرسازی کشور به‌دنبال اجرای سیاست‌های گذشته است. سیاستهایی که در اثر آن پیش بینی هجوم تقاضای سرمایه¬ای به بازار مسکن و در نتیجه افزایش قیمت شدید مسکن چندان دور از انتظار نیست.

البته تصور اینکه دولت با این مخالفتها سیاست خود را در حوزه مسکن تغییر دهد دور از ذهن است اما جهت اتمام حجت این کلام امام خمینی (ره) را بار دیگر با هم مرور کنیم:

« خدا نیاورد آن روزی را که سیاست ما و سیاست مسئولین کشور ما پشت کردن به دفاع از محرومین و رو آوردن به حمایت از سرمایه دارها گردد و اغنیا و ثروتمندان ازاعتبار و عنایت بیشتری برخوردار شوند. »

منابع:

http://ayaronline.ir/48692/11/1392.html
http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=27277
http://jahannews.com/vdcfmtdjyw6dxta.igiw.html
http://www.tasnimnews.com/Home/Single/463937

. آقای بیضایی در مصاحبه با خبرگزاری تسنیم

صحیفه امام ج۲۰ پیام به مسلمانان ایران و جهان و زائران بیت الله الحرام(برائت از مشرکان). ص : ۳۱۱

عباس حیدری
1fanoos.com

نگاهی به پیامدهای فرهنگی توسعه دانشگاه‌ها در استان

مرا به خیر تو امید نیست...!

به آمار های زیر توجه کنید:

دانشگاه سیستان و بلوچستان با دارا بودن بیش از بیش از بیست و یک هزار دانشجو و سالانه سه هزار دانشجوی جدید الورود پس از دانشگاه تهران دومین دانشگاه پرجمعیت کشور به حساب می آید(۱)به گزارش ریاست دانشگاه سیستان و بلوچستان ،ثبت نام در این دانشگاه در ۷۰ رشته ی کارشناسی ارشد و ۲۶ رشته گرایش در مقطع دکتری انجام میشود. و در حال حاضر ظرفیت اعلام شده ی این دانشگاه بیش از تعداد متقاضیان میباشد.همچنین در پردیس بین الملل شماره ۲ این دانشگاه تعداد ۲۲۰۰ دانشجو در مقطع کارشناسی ارشد و ۲۵۰ دانشجو در مقطع دکترا مشغول به تحصیلند.(۲)

دانشگاه زابل با دارا بودن ۸ دانشکده ، یک پژوهشگاه در قالب سه پژوهشکده و یک مرکز تحقیقات و با بیش از ده هزار نفر دانشجو، صد و ده رشته و گرایش تحصیلی،در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد،دکتری حرفه ای و دکتری تخصصی، در دوره های روزانه و نوبت دوم،بالغ بر ۳۹۲ نفر عضو هیئت علمی تمام وقت،مجتمع عظیم ۸۰۰۰ هکتاری آموزشی و پژوهشی، آزمایشاههای مجهز و پیشرفته و نیز مرکز کامپیوتر و سایت اینترنتی منحصر به فرد در بین دانشگاههای کشور،بدون شک یکی ازمراکز مهم آموزش عالی در شرق کشور به حساب می آید(۳)

تعداد دانشجویان مراکز و واحد های دانشگاه پیام نور در استان (۱۰ مرکز و واحد) بالغ بر بیست و یک هزار نفر است (۴)

به گفته رییس واحد علوم و تحقیقات دانشگاه ازاد اسلامی ۳۶۷۱ دانشجو در ۱۹ رشته کارشناسی ارشد و ۲ رشته در مقطع دکترا مشغول به تحصیلند (۵)

...

حالا این همه را بگذارید کنار آمار نرخ بیکاری، سطح رفاه ، رشد فقر ، مهاجرت از استان و آمار ابتلا به انواع بیماریهای واگیر و غیر واگیر(سل، ایدز،تالاسمی ...) و سطح امکانات و خدمات بهداشتی و تعداد مراکز صنعتی ، کارخانه ها ، میزان تولیدات کشاورزی و به طور کلی رشد واقعی اقتصادی و علمی در سطح استان که اگر نگوییم در تمام مقایسه های واقعی جزء آخرین رده های همه ی رده بندی ها هستیم، قطعا مانند دانشگاههایمان هم چنین افتخار آفرینانه حائز عناوین برتر کشوری نخواهیم بود !

حال باید دید چه تناسب و تقارنی بین این دو دسته واقعیت آماری استان وجود دارد؟ از تاسیس اولین دانشگاه در استان در حدود نیم قرن میگذرد یعنی تا به امروز دهها نسل از فارغ التحصیلان دانشگاهی از این مراکز خارج شده اند و بودجه های سالانه ی این دانشگاهها را که ضربدر سنوات کارشان بکنیم ، رقم حاصله هوش از سر هر جنبنده ای میپراند و حالا سوال این است که مگر نه اینکه دانشگاه محل تولید علم است و پرورش عالم ؟ و علم و عالم تولید شده حالا پس از این همه سال و این همه هزینه باید جایی به کار آمده باشند و این به کار آمدن تاثیری عملی در بهبود شرایط موجود داشته باشد؟ و مگر نه اینکه عالم بی عمل را بزرگان ، زنبور بی عسل خوانده اند؟

واقعیت اینست که یکی از بزرگترین معضلات تاریخ معاصر ایران (اگرنگوییم بزرگترینشان) توسعه ی کور و شتاب زده و تقلیدی و نامتقارنیست که بسیاری از دولتمردان پس از انقلاب هم خود آگاه یا نا خود آگاه در ان دخیل بوده اند. تولد و رشد دانشگاههای نوین ایران هم بخشی از این همین فرآیند است. این که این تعداد دانشگاه و این حجم دانشجو و فارغ التحصیل و این میزان بودجه و آن همه ساخت و ساز و دار و درخت و صحن و رواق ، چه قدر کارایی علمی و بازدهی عملی داشته اند و کدام درد واقعی بومی را رفع کرده اند حرفیست که بارها زده شده و شرح و بسطش در این مجال نمی گنجد اما اینکه رشد قارچ گونه ی این مراکز چه پیوست ها و اثرات فرهنگی در سطح استان و علی الخصوص روی جمعیت بومی داشته است ،قطعا نیاز به تامل بیشتری دارد.

طی صد ساله ی اخیر الگوی توسعه ی «مرکز - پیرامونی» در ایران ، شکاف اقتصادی و فرهنگی عمیقی بین بخش هایی از کشور که بیش از دیگران در جریان مدرنیزاسیون قرار گرفته اند و مناطقی که خارج از این جریان بوده اند ایجاد کرده است. شکافی که در سطح اقتصادی باعث توزیع نامتقارن سرمایه ، کار و رشد نابرابر اقتصادی در سطح کشور شده و در لایه ی فرهنگی ، عدم توازنی عمیق بین بخش مدرن و در نتیجه غربی شده ی جامعه (عمدتا در کلان شهر های صنعتی)و بخش سنتی و کماکان مذهبی آن (که استان ما بی شک جزئی از ان است) ایجاد کرده است ، تفاوتی که نمونه هایش را در سطوح مختلف تفکر و زندگی این دو گروه میتوان دید، از سبک زندگی و میزان پایبندی مذهبی گرفته تا نوع پوشش و الگوی کنشهای اجتماعی و حتی سلیقه ی سیاسی.

رشد مدیریت نشده و بی حساب و کتاب دانشگاهها و مراکز آموزش عالی ، بدون توجه به نیاز های واقعی و مهمتر از آن اقتضائات فرهنگی جامعه ی بومی ، فارغ از اثرات علمی و اقتصادی و وقت و هزینه ای که به هدر رفته، باعث سرایت و گسترش این عدم توازن و نا هماهنگی فرهنگی در سطح استان ما نیز شده است. هجوم سیل آسای دانشجویان غیر بومی (بخوانید رشد یافته در فضای فرهنگ مدرن) که هرکدام از گوشه ای از این جغرافیای فرهنگی می آیند و در نتیجه نوع خاصی از رفتار و تفکر و فرهنگ را با خود حمل میکنند ، روی جامعه ی غالبا سنتی استان و علی الخصوص قشر جوان آن بی تاثیر نبوده است.

باور ها و تفکرات نا اشنا و رفتار های نامانوس و پوشش های عجیب و غریب از سوی قشری که به واسطه ی دانشجو بودن ، در باور عامه متفکر و صاحب فضل و محترم شناخته میشود و به واسطه ی رسوب تفکرات طبقاتی و بر اساس شاخص های مدنیت مدرن ، تفکر خود را مترقی تر و رفتار و هنجار خود را محترم تر از آنچه در استان میبیند میشمرد و در نتیجه هرگز احساس نیاز به پیروی از هنجار های رایج در بین میزبانان خود نمیکند، همه ی اینها زمانی که این قشر ،لا اقل در بین جوانان تبدیل به گروه مرجع اجتماعی (یعنی گروهی از جامعه که دیگران سعی در رسیدن و شبیه شدن به آن دارند) شود باعث ایجاد این ملغمه ی ناموزون فرهنگی در جامعه ی بومی استان میشود. وفرآیند تبدیل این قشر به گروه مرجع و همه گیر شدن هنجارهای تازه واردشان در سطح جامعه ی میزبان علاوه بر دلایل ذکر شده ، از سالها قبل و از طریق انواع رسانه های همگانی و ارتباط جمعی اغاز شده است(کافیست نگاهی بیندازید به سریال های تولیدی صدا و سیما و آماری بگیرید از طبقه ی اجتماعی و نوع رفتار و پوشش و تفکر و سبک زندگی حاکم بر فضایشان)

علاوه بر همه ی اینها، اینکه دانشگاه به خودی خود، به عنوان یک نهاد مدرن که سهم مهمی از فرآیند آموزش کشور را در دست دارد، از چه خاستگاهی بر آمده و چگونه ساختاری دارد و حامل کدام نوع اندیشه و فرهنگ و مروج چه باور ها و ارزش ها و هنجارهاییست و رشد بدون توقفش در سطح استانی چون سیستان و بلوچستان ، چه اثرات و تبعات فرهنگی و اجتماعی دارد ،خود بحثی جداگانه و تاملی دقیق تر میخواهد.

با این همه اما در این فرآیند پرشتاب، نه تنها هیچ توقف و تاملی از سوی مسئولین امر نمی بینیم بلکه چهره های مغرور و لحن افتخار آمیزشان هنگام گزارش رشد تعداد مراکز آموزش عالی و افزایش چند برابری دانشجویان جدید الورود، کور سوی امیدمان را هم برای چنین بازنگری پر اهمیتی از بین می برد.

پ.ن:

۱و ۲.خبرگزاری دانشجویان ایران
۳.سیب پرس
۴.سایت دانشگاه پیام نور استان سیستان و بلوچستان
۵.خبرگزاری مهر

یاسین کیانی
1fanoos.com

معرفی کتاب:

گزارش ناخوانده

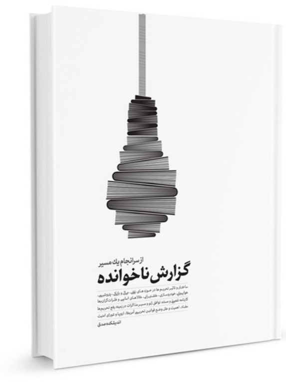

کتاب «گزارش ناخوانده از سرانجام یک مسیر» با هدف بررسی جامع تحریم های کشور در حوزه های مختلف اقتصادی و روشن نمودن سرانجام مسیر مذاکره برای رفع آنها منتشر شد.

این کتاب کدام خلأ را پر کرده است؟

موضوع تحریم ها و راه صحیح مواجهه با آنها را شاید بتوان مهم ترین مسئله مطرح در فضای عمومی این سال های کشور دانست. ایران اسلامی هم اکنون در حال گذراندن تجربه ای تاریخی پیرامون میزان کارایی و موفقیت عملی مسیر رفع تحریم از طریق مذاکره است. این کتاب قصد دارد با فراهم کردن شناخت نسبت به واقعیات موجود و جزئیات تعیین کننده در حوزه تحریم ها، و آشنا کردن خوانندگان با طراحی های پیچیده حقوقی، سیاسی، اقتصادی تحریم کنندگان در میز مذاکره و در میدان عمل، و نیز واکاوی دقیق تجربه توافق ژنو در رفع تحریم ها، سرنوشت مسیر رفع تحریم با مذاکره را به طرز ملموس و دقیقی روشن نماید.

انتشار این کتاب در شرایطی است که با وجود سابقه سی و چند ساله تحریم های کشورمان، تا کنون پژوهشی جامع پیرامون ساختار و تأثیرات عملی تحریم ها در حوزه های مختلف اقتصادی منتشر نشده بود. همچنین با وجود گذشت حدود یک سال و نیم از انعقاد توافق ژنو، هیچ گزارش مستندی از میزان تحقق تعهدات طرف مقابل و تأثیر این توافق در کاهش تحریم ها –یعنی در موضوعی که هدف اصلی ایران از ورود به مذاکرات است– وجود نداشت.

در بخش دوم کتاب، نقشه تحریم های صورت گرفته علیه کشورمان از ابتدای انقلاب تا کنون تبیین گردیده است. این بخش ابتدا در سه فصل، به قوانین تحریمی وضع شده علیه کشورمان توسط آمریکا، اتحادیه اروپا و شورای امنیت می پردازد. اهداف، مفاد، سیر تاریخی، ویژگی ها، علل وضع، میزان اهمیت، و شرایط لغو این تحریم ها، و ارتباط این سه مجموعه تحریم با یکدیگر، در این سه فصل مرور شده است.

فصل چهارم از بخش دوم کتاب، این موضوع را مورد واکاوی قرار می دهد که کدام یک از تحریم های مذکور، «مرتبط با هسته ای» هستند و در صورت انجام توافق نهایی احتمال برداشته شدن آن ها وجود دارد.

در واقع بخش دوم کتاب، تمرکزی حقوقی بر قوانین تحریم صورت گرفته است، تا مکمل بخش اول کتاب باشد که تمرکزی اقتصادی بر وضعیت تحریم ها در صحنه عمل دارد.

متن کامل تمامی اسناد و منابع استفاده شده در فصل های مختلف کتاب (که مجموعاً بالغ بر ۱۳۵۰ سند و منبع مختلف می شوند) در وب سایت این کتاب به نشانی www.gozaresh-nakhande.ir قرار خواهد گرفت.

چرا باید این کتاب را خواند؟

این کتاب هرچند به بررسی وضعیت فعلی تحریم ها و کارنامه توافق ژنو در رفع تحریم ها پرداخته است، اما ادعای روشن کردن سرنوشت این مسیر در آینده را دارد؛ این ادعا از آن روست که از نظر مولفین کتاب، تداوم این مسیر در حال و آینده، با همان جزئیات تعیین کننده و قواعد و روال های قبل صورت می پذیرد، و در واقع توافق ژنو را می توان «مدل واقعی» توافقات احتمالی آینده (با همان ادعاها، با همان مشکلات اجرایی، و با همان سرنوشت) دانست.

خواننده با مطالعه این کتاب و همراه شدن با داستان پرماجرای تحریم ها، به صورت تدریجی، نسبت به واقعیات موجود پیرامون تحریم ها و تحریم کنندگان، مذاکرات و توافقات، و مشکلات و راه حل ها، درکی عمیق پیدا می کند.

شناخت دقیق طراحی های پیچیده ای که متن امتیازات را به گونه ای تنظیم می کنند که نتوانند فایده عملی داشته باشند، جزئیات و قیودی که در مذاکرات اجرایی اضافه می شوند و همان امتیازات اندک اخذ شده را نیز خنثی می کنند، نظام چندلایه و زنجیره ای تحریم ها که رفع برخی تحریم ها بدون رفع برخی تحریم های دیگر را بی فایده می کند، فشارهای سیاسی که به مسائل حقوقی سایه می افکنند و توافقات را در عمل بی اثر می کنند، و دیگر روال هایی که در آینده نیز تکرارشدنی اند، نگاه خواننده نسبت به مذاکرات برای رفع تحریم را وسعت بخشیده، و فضای آینده را برای او روشن تر می سازد.

این کتاب را چگونه تهیه کنیم؟

علاقمندان می‌توانند این کتاب را از غرفه انتشارات شهید کاظمی در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهیه کنند یا با شماره تلفن ۰۲۱۶۶۴۰۳۴۷۹ در تهران و شماره تلفن ۰۲۵۳۷۸۴۰۸۴۴ در قم تماس بگیرند. همچنین علاقمندان به توزیع و ترویج محتوای این کتاب در قالب‌های مختلف می‌توانند با شماره تلفن ۰۹۱۲۷۱۷۵۰۵۴ تماس حاصل نمایند.

پایگاه اینترنتی فروش کتاب:

www.manvaketab.ir
www.bookroom.ir

چرا سیاست های امنیتی استاندار شکست خورد؟

ترور، شرارت، راهبندی، اقدام های تروریستی، درگیری و آدم ربائی بسیاری از اتفاق هائی است که طی چند سال اخیر شرایط استان را متاثر از تفکرهای افراطی گرایانه قرار داده که همسو با فعالیت های مذهبی خارج از مرزها در صدد ایجاد نا امنی و از بین بردن آرامش مردم است.

بارها و بارها مردمان سیستان و بلوچستان طی چند سال اخیر متاثر از این زیاده خواهی ها، شاهد تروها و اقدام های کوری بودند که با هوشیاری و ایستادگی آنان یکی پس از دیگری خنثی شد اما انگار این کهنه کینه دشمنان انقلاب اسلامی قصد رخت بر بستن از این دیار را ندارد و گاه و بی گاه زهر خود را بر فضای این خطه می پاشد.

استاندار و معادله مجهول امنیت

از آنجا که بسیاری از جریان های مذهبی و طایفه های استان، تکیه بر اقوام و رویکرد بومی گرائی را یکی از راه های ایجاد امنیت و کمک به رشد و توسعه استان می دانند با روی کار آمدن دولت یازدهم، استاندار سیستان و بلوچستان این راهبرد را در دستور کار خود قرار داد اما درعمل این استراتژی نه تنها به مهار ناامنی کمک نکرد بلکه اتفاقات و ترورهای اخیر به کشیدن خط بطلان بر روی این رویکرد منجر شد رویکردی که به گفته سید باقر حسینی عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس تنها به سبب پیش برد اهداف سیاسی و تبلیغاتی حزبی در سیستان و بلوچستان دنبال می شود و بس.

علی اوسط هاشمی که به منظور برقراری امنیت از زمان روی کار آمدن، سعی کرده تا به ویژه در مناطق جنوبی استان از افراد بومی و مورد توافق برخی از جریان های مذهبی در انتخاب فرمانداران اقدام کند و نظر برخی اقوام و جریانات مذهبی را به خود جلب کند، اما وقوع حوادث تروریستی یک سال اخیر به ویژه از ابتدای امسال تا کنون که بیش از ۱۸ فرزند این دیار را به شهادت رساند، معادلات مجهول بیشتری در برقراری امنیت در پیش روی وی گشوده که نیازمند بازنگری است چرا که امنیت با نگاه آن نه تنها پایدار نشد بلکه بسیار ناپایداری داشت چرا که دیگر در بدنه خود نظام نیز چند وقت اخیر بسیار انتقاد ها به عملکرد اجرائی آن داشته ایم.

بسیاری از مشکلات کنونی در بحث تامین امنیت مرزهای کشور به موضوع مشکلات معیشتی برمی گردد و این موضوع به وسیله ای برای سو استفاده دشمنان تبدیل شده است.شهادت هشت مرزبان، دو مامور مخابرات سپاه، حادثه تروریستی قصر قند، جنگ نرم و توطئه مذهبی محمدان ایرانشهر، برداشت های سو مذهبی از یک طرح ساده استانی در چابهار، راهزنی شب گذشته محور ایرانشهر و تحرکات کور در نقطه سفر مرزی برای ورود به کشور، معادلات چند وجهی پیش روی استاندار است که مجهولات زیادی را برای حل شدن در پیش روی اوسط هاشمی قرار داده است.

استاندار سیستان و بلوچستان به عنوان رییس شورای تامین که با عزل ۱۶ فرماندار طی یکسال نخست همواره تلاش کرده تا این جمله معروفش مبنی بر نقش آفرینی به نقش مردم در جامعه جامه عمل بپوشاند اما به گفته بسیاری از صاحبنظران به نظر می رسد توفیقی در این راستا برای برقراری امنیت به دست نیاورده است.

استاندار سیستان و بلوچستان که طی دوران صدارت خود با انتصاب فرمانداران بلوچ در منطقه جنوب استان و همچنین اعطای بیش از ده ها امان نامه که موجی از نارضایتی عمومی را در پی داشت، تلاش کرد حاشیه امنی برای مردم استان ایجاد کند، اما وقوع حوادث تروریستی اخیر در استان به ویژه شهادت پی در پی معلمان و کارمندان در جنوب استان به وی گوشزد کرد که ریشه ناامنی ها فراتر از انتصاب و اعطای پست به افراد مورد وثوق برخی جریان های سیاسی و مذهبی است.

بسیاری از صاحبنظران و کارشناسان جامعه شناسی سیاسی، عدم تجربه کافی بسیاری از فرمانداران را یکی از دلایل عدم توفیق استاندار در تبیین این راهبرد به منظور ایجاد امنیت در استان می دانند، زیرا برخی از افراد بکار گرفته شده به عنوان فرماندار و رییس شورای تامین تجربه کافی را نداشته اند و از سوئی عملکرد آنان موجی از واگرائی را در جامعه ایجاد کرد.

بسیاری از کارشناسان سیاسی و آگاه به مسائل استان بر این باورند که ایجاد امنیت در سیستان و بلوچستان تنها با تکیه بر اقوام و بومی گرائی امکان پذیر نیست، و باید به این نکته توجه داشت استانی که بیش از ۴۳۵ تیره و طایفه در آن زندگی می کنند، امنیتی اش راهبردی ملی در تعامل با وفاق و امنیت منطقه ای می طلبد.

به گفته بسیاری از صاحبنظران به ویژه سخن چند وقت پیش مرحوم دکتر احمد پیشه ور جامعه شناس فقید سیاسی سیستان و بلوچستان، ایران اسلامی تجربه پیروی انقلاب، تحرکات اوایل انقلاب و هشت سال جنگ تحمیلی را با خود به یدک می کشد که برای به دست آوردن این تجربه شهدای بسیاری را در حوزه دفاع و ترور را تقدیم نظام کرده ایم، پس نباید برای اداره و ایجاد امنیت پایدار در این استان مشکلی داشته باشیم؟ باید ریشه ها را شناسائی کرد که چه کسانی موافق با ایجاد امنیت در این دیار نیستند؟

عملکرد استاندار سیستان و بلوچستان طی یک سال گذشته بارها از سوی مردم، نمایندگان مردم و تشکل های سیاسی مورد انتقاد قرار گرفته و موجب شده تا بسیاری از مردم به شیوه های مختلف از جمله در مراسم تشییع جنازه شهدا با شعار استعفا، استعفا خواستار توجه جدی به تامین امنیت پایدار شوند و در این میان نمایندگان استان نیز با ارایه تذکر کتبی به وزیر کشور خواستار حل این مسئله شوند.

امنیت با شعار بر قرار نمی شود

عضو کمسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی در این رابطه گفت: تبلیغات و مانور گسترده بر روی حرف ها و سخنان، راهبرد مسئولان استان طی چند وقت اخیر است، بدانید با شعار امنیت در این دیار برقرار نمی شود.

سید باقر حسینی در گفتگو با مهر بیان کرد: مدیران استانداری با طرح شعارهای جدید ادعا می کردند در فضای استان می توان امنیت پایدار ایجاد کرد که این به خوبی نشان دهنده عدم شناخت کافی از شرایط استان است و باید اذعان کرد سیستان و بلوچستان جای آزمون و خطای سیاسی نیست.

نماینده مردم سیستان در مجلس شورای اسلامی بیان کرد: به جای شعار دادن، مسئولان امنیتی به ویژه استاندار به دنبال راهکار و اقدام جامع برای ایجاد امنیت پایدار در این خطه از ایران اسلامی باشند تا دیگر شاهد این همه استرس و اضطراب حاکم بر فضای استان نباشیم.

وی تاکید کرد: اگر قصدمان خدمت به مردمان این دیار است باید در تفکرات مسئولان بازنگری ایجاد شود و بحث امنیت به صورت جدی پیگیری شود تا همانند سال های پیش شاهد دستاوردهای بی شمار در حوزه امنیتی و برخورد با تروریست ها باشیم.

حسینی افزود: مردم ما آگاه هستند، درست نیست خود را به غفلت بزنیم و با رفتارهای دو گانه در صدد القای باور امنیت پایدار و دستاوردهای وهمی امنیتی به افکار عموم باشیم، مردم این رویکرد را نمی پذیرند.

معیشت؛ ابزاری در دست تروریست ها

نماینده مردم سیستان در مجلس با بیان اینکه درصد بسیاری از مشکلات کنونی در بحث تامین امنیت مرزهای کشور به موضوع مشکلات معیشتی برمی گردد افزود: این موضوع به وسیله ای برای سو استفاده دشمنان تبدیل شده است.

جمهوری اسلامی ایران بارها و بارها طی ۳۶ سال گذشته از سوی مرزهای پاکستانی مورد تهدید واقع شده است و این به خوبی نشان دهنده عدم همدلی طرف پاکستانی برای ایجاد امنیت در مرز است.سید باقر حسینی افزود: تروریست ها و سرویس های اطلاعاتی دشمن از ضعف معیشت مردم سوء استفاده کرده و اقدام به جذب آنان می‌کنند و طی فرآیندی این افراد را شستشوی مغزی می‌دهند و تبدیل به تروریست های خطرناک و خشنی می‌کنند که دست به عملیات انتحاری می‌زنند.

عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس بیان کرد: متاسفانه نبود اشتغال در منطقه منجر به جذب برخی از افراد در گروه های مافیایی از جمله موادمخدر و شرور شده به گونه‌ای که در برخی موارد این افراد ممکن است تنها برای کسب ۲۰۰ هزار تومان اقدام به حرکت بر علیه امنیت ملی می کنند.

وی در خصوص طرح انسداد مرزها نیز بیان داشت: در منطقه سیستان در شمال استان به دلیل وجود دیوار امنیتی فعالیت باندهای مافیایی بسیار سخت شده است اما با توجه به اینکه در جنوب استان و در منطقه بلوچستان تا حدودی به بحث انسداد مرزها کم توجهی شده لذا گاهی شاهد ناامنی در آن منطقه هستیم.

وی با تاکید بر تسریع انسداد مرزها به عنوان یکی از موثرین اقدام ها برای جلوگیری از ورود اشرار بیان داشت: انسداد فیزیکی مرزها در نقاطی مانند سراوان که مناطق صعب العبور دارد امری مشکل بوده و از طرفی دولت های مختلف در پاکستان وجود دارد که باعث شده تا این کشور در ۳۰۰ کیلومتر از مرزهای با ایران هیچگونه نیرویی نداشته باشد به همین دلیل است که اشرار و تروریست ها می توانند به راحتی از مرزها عبور کنند.

وعده‌های پوشالی

نماینده مردم سیستان در بخش دیگری از سخنانش با انتقاد از عملکرد استاندار سیستان و بلوچستان بیان کرد: علی اوسط هاشمی پس از روی کار آمدن بارها و بارها نگاه یکجانبه گرایانه و احساسی در مسیر خدمت به مردم سیستان داشته است که این جای سوال دارد.

وی افزود: طی چند ماه اخیر بارها و بارها نیروهای متخصص بومی از سوی استاندار تحقیر شدند که این برای دولتی که با شعر تدبیر و امید سرکار آمده، ضعف بزرگی است.

عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی بیان کرد: موضع‌گیری غیرمنطقی استاندار در مقابل وزرا و معاونین رئیس جمهور در انتصابات استانی گواهی دیگر بر عدم رعایت عدالت از سوی نماینده عالی دولت در سیستان و بلوچستان است که شرایط استان را متشنج تر کرده است.

خلع سلاح عمومی تا سرکوب تروریست ها در خاک پاکستان

نماینده مردم زاهدان در مجلس شورای اسلامی گفت: تا زمانی که خلع سلاح عمومی در سیستان و بلوچستان را راهبرد برخورد قاطعانه اعمال نشود باید شاهد چنین حوادث کوری باشیم.

حسینعلی شهریاری بیان کرد: از سوئی همیاری دولت پاکستان با تروریست ها بر مشکلات ما افزوده است که باید در این زمینه چاره اندیشی جدی شود.

وی افزود: جمهوری اسلامی ایران بارها و بارها طی ۳۶ سال گذشته از سوی مرزهای پاکستانی مورد تهدید واقع شده است و این به خوبی نشان دهنده عدم همدلی طرف پاکستانی برای ایجاد امنیت در مرز است.

رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی گفت: بنده اصلا به هیچ تفاهم نامه و قراردادی با پاکستان اعتقاد ندارم، قانون استرداد مجرمین را با پاکستان داریم اما می بینیم که آنان برای تحویل تروریست ها علیه ایران هیچ کاری نمی کنند.

وی تاکید کرد: دولت پاکستان روحیه تعامل و همکاری را ندارد، سیستم اطلاعاتی آن کشور خودش دچار تفکر افراطی گری است، به طوری که در جریان حرکت های کور عبدالمالک سرکرده گروهک تروریستی ریگی شاهد آن بودیم که بارها نیروهای امنیتی پاکستانی این تروریست را فراری دادند.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی افزود: خیلی از سران ارتش پاکستانی نیز چنین تفکری دارند، پس نباید توقع کمک از این ها را داشت، باید اگر حرکتی کور می شود نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران مطابق قوانین بین الملل برای حفظ کیان و مرزهای خود تا شعاع ۵۰ کیلومتری برای از بین بردن مواضع تروریست ها وارد خاک پاکستان شوند.

شهریاری تاکید کرد: نمی شود نشست و دید این گونه ناجوانمردانه بچه های ما را می کشند و ما هیچ کاری نمی کنیم، بدانیم ایجاد امنیت در مرزهای جنوب شرقی ایران از راه دیپلماسی امکان پذیر نخواهد بود.

غفلت از سیستان و بلوچستان موصلی می سازد

نماینده مردم زاهدان در مجلس شورای اسلامی با اشاره به حضور داعش در نزدیکی مرزهای سیستان و بلوچستان بیان کرد: اگر حرفی می زنیم عده ای ترش می کنند اما رصد جریانات و اخبار به خوبی برایمان ترسیم کننده شرایط استان است که اگر هوشیار نباشیم موصلی دیگر این بار در ایران رقم خواهد خورد.

وی تاکید کرد: طی چند وقت اخیر بارها مشاهده کردیم که اخبار امنیتی با برخی جهت گیری خدمت رهبری معظم انقلاب می رسد به همین منظور از کلیه شرایط استان به صورت مستند اطلاعات و آماری آماده کرده و چندین بار خدمت رهبری رفتم.

وی اظهار امیدواری کرد که در سفر آینده اعضای کمیسیون امنیت ملی مناطق، جهت دار برای پنهان ماندن شرایط امنیتی استان انتخاب نشود و دوستان امنیتی مشورت و هم صحبتی با همه طیف ها را پیش بگیرند.

تجمیع نظر در ایجاد امنیت سیستان و بلوچستان امری ضروری است

نماینده مردم زاهدان در مجلس شورای اسلامی گفت: باید در فضای امنیتی استان به دنبال ایجاد زبان واحد باشیم تا روز به روز امنیت در این خطه از مرزها پایدار تر شود.

شهریاری با اشاره به خواست برخی ها مبنی بر حذف سپاه گفت: تصمیم گیرنده آخر شورای عالی امنیت کشور است که می گوید این امنیت را چه گروهی بر عهده بگیرند و دال بر گفتار نمی شود اظهار نظر کرد.

رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی گفت: در مجموع امنیت استان شرایط بهتری دارد، اما اختلاف ها به سبب گروه های وهابی است که مسائل را قومی و مذهبی می کنند و عده ای از مردم بی گناه را تحت مسائل مذهبی در این خطه به شهادت می رسانند.

وی تاکید کرد: تروریست ها تا کنون به راحتی با استفاده از مرزهای پاکستان بیش از سه هزار نفر از مردم این خطه را شهید کردند، تنها راه نشان دادن اقتدار جمهوری اسلامی ایران ورود به مرزها است و تعقیب آنان در خاک پاکستان است.

منبع : مهر

اجرای طرح اشتغال اتباع خارجی در سیستان و بلوچستان

کشف یک میلیارد تن ذخایر معدنی در سیستان‌وبلوچستان

تهدید سلامت مردم استان با لوازم آرایشی و بهداشتی تقلبی